

روند تحول قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه: (۲۰۰۰-۲۰۱۳)

محمد فرهاد عطایی^۱

مهدي هدايتي شهيداني^۲

از سال ۲۰۰۷ موضوع قدرت نرم وارد ادبیات سیاست خارجی روسیه گردید. این موضوع که اکنون بسیار مورد توجه کرملین است از منابع مختلف و گاه متضادی نشأت گرفته است. برخلاف آنچه جوزف نای- واضع مفهوم قدرت نرم- ارائه کرده است در روسیه بخش عمده این منابع ماهیت دولتی و رسمی دارد.

مؤلفین در این مقاله سعی کرده‌اند به بررسی پیشینه ظهور قدرت نرم در روسیه و فرایند اجرای سیاست نرم در این کشور بپردازند.

پرسش اصلی مقاله این است که ماهیت قدرت نرم روسیه چیست و میزان موفقیت این کشور در استفاده از این ابزار چقدر بوده است. این مقاله در دو بخش به بررسی تحولات قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه می‌پردازد. ابتدا قدرت نرم در تناظر با مهم‌ترین رخدادهای متناسب با جایگاه روسیه در سیاست بین‌الملل بررسی می‌شود. سپس مهم‌ترین عناصر سازنده آن از جمله زبان روسی، فرهنگ و ارزش‌های این کشور در کنار سایر پدیده‌های بین‌المللی از جمله شبکه مجازی ارتباطات و بهره‌مندی از حوزه گسترده آموزش عالی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. ادعای این مقاله آن است که با وجود تلاش روسیه در چند سال اخیر در به کار گرفتن قدرت نرم، موفقیت آن محدود بوده است.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، روسیه، سیاست خارجی، ارزش‌ها و فرهنگ سیاسی.

Email: atai@ut.ac.ir

۱. نویسنده مسئول، دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه فدرال کازان، کازان، روسیه.

Email: Mehdi.hedayati88@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱۶، تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۲۲

مقدمه

در دوران پایانی حیات اتحاد جماهیر شوروی، این کشور سیاست منسجمی برای ایجاد همگرایی میان ملیت‌های گوناگون خود نداشت و هر اعلام نارضایتی از طرف آنان به مثابه انحراف از اهداف ملی اتحاد - که در آن زمان بازسازی اقتصادی (پروسترویکا) نام گرفته بود - تلقی می‌شد. سیاست مسکو در آن زمان بر قدرت نرم متکی نبود و ابزار فرهنگ به مثابه یکی از عوامل همگرایی، اعتبار کمی نزد رهبران کشور داشت (مرادی، بوالوردی، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۲). پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، روسیه قابلیت‌های نظامی فراوانی را از کشور شوراها به ارث برد، اما تا حدود زیادی جاذبه فرهنگی و مرامی^۱ خود را از دست داد. به یک تعبیر، پایان جنگ سرد تنها موجب فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نشد، بلکه باعث شد تا بسیاری از ملیت‌های جدا شده از فرهنگ روسی به دنبال بازگشت به ریشه‌های اولیه هویتی خویش باشند؛ هویتی که طی دوران سلطه هفتادساله کمونیسم به فراموشی سپرده شد. در سال‌های اولیه پس از فروپاشی، مسکو نیز بیشتر به ترمیم وجهه جهانی خود توجه داشت. لذا به منظور بازسازی جذابیت خویش در عرصه سیاست خارجی در فضای پسا جنگ سرد با تکیه بر قدرت نرم شروع به توسعه روابط خارجی خود کرد.

اگرچه بسیاری معتقد هستند که توانایی‌های روسیه در استفاده از قدرت نرم در ارتباط با کشورها - از جمله کشورهای حوزه بالتیک و کشورهای همسود - بسیار محدود بوده، اما برخی دیگر آن را با اهمیت می‌دانند و منبع توان بالقوه روسیه را در حفظ و جذب کشورهای نواستقلال بر اساس چهار ویژگی بازار کار بزرگ، نزدیکی زبانی، فرهنگ مشترک ناشی از تسلط زبان روسی و منابع عظیم انرژی ارزیابی می‌کنند.

به دنبال آن، بسیاری از کشورهای تازه استقلال یافته، قرارداد لغو روابط با روسیه را امضا کرده‌اند. اهمیت این قرارداد به آن دلیل است که فرصت‌های شغلی در این کشورها با توجه به وضعیت نامناسب اقتصادی، بسیار محدود شده است، اما بازار کار در روسیه برای بسیاری از بیکاران گسترده است. این موضوع روسیه را به یک بازار بزرگ حائز اهمیت برای جویندگان کار از کشورهای نواستقلال تبدیل کرده است. لغو روابط مهم‌ترین مانع را از سر راه این افراد برای

^۱. Ideological

عزیمت به روسیه برداشته است. به طور رسمی حدود سه میلیون کارگر از کشورهای همسود^۱ در روسیه وجود دارند (Popescu & Wilson, 2009: 34).

علاوه بر لغو روادید، دانستن زبان روسی دلیل مهم دیگری برای مهاجرت به روسیه است. جمعیت روس‌های ساکن در شش کشور همسایه غربی روسیه در حدود ۲۰ درصد کل جمعیت این کشورها به ویژه در بلاروس، اوکراین و مولداوی می‌باشد. با وجود گذشت بیش از دو دهه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، زبان روسی همچنان زبان مشترک در حوزه تجارت، روابط اجتماعی - فرهنگی و علمی است.

از دیگر منابع جذابیت روسیه اشتراکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی است. به عنوان نمونه، کلیسای ارتدوکس این کشور جایگاه ویژه‌ای در میان مسیحیان کشورهای همچون بلاروس، مولداوی و تاحدی اوکراین دارد. محصولات مشهور فرهنگی روسیه نیز عمدتاً با استفاده از شعارهای برادری روس‌زبانان و پیروزی مشترک در جنگ جهانی دوم ارائه می‌شود. آنچه در این مقاله بررسی می‌شود نوع و میزان کارایی ابزارهای قدرت نرم روسیه در برابر رخدادهای جهانی است. سوال این مقاله این است که آیا روسیه توانسته است با استفاده از قدرت نرم به اهداف مندرج در اسناد رهنامه سیاست خارجی خویش دست یابد؟ یافته‌های این مقاله حاکی از آن است که روسیه در این امر کامیاب نبوده است. روش بررسی این مقاله، تحلیل اظهارنظرهای مقام‌های رسمی و اسناد معتبر سیاست خارجی و نیز تاثیر تحولات مهم بین‌المللی بر قدرت نرم روسیه است.

چارچوب نظری

نظریه قدرت نرم

اگرچه دانشمندی چون ماکس وبر^۲ به وسیله تعاریفی درباره قدرت کاریزمایی، ادوارد اچ. کار^۳ از طریق قدرت تسلط بر افکار و هانس. جی. مورگنتا^۴ با تعریف خصوصیات و روحیات به زمینه‌هایی از قدرت نرم اشاره داشتند، اما این اصطلاح اولین بار توسط جوزف

^۱. Commonwealth of Independent States

^۲. Max Weber

^۳. Edward Hallett "Ted" Carr

^۴. Hans Joachim Morgenthau

نای^۱ در سال ۱۹۹۰ به کار برده شد. وی قدرت را به دو گروه سخت و نرم تقسیم کرد. از نظر نای ابزارهایی که دولت‌ها در بهره‌مندی از قدرت نرم از آنها استفاده می‌کنند با منابع غیرملموسی، همچون فرهنگ درآمیخته است. از نظر نای، قدرت نرم به وسیله آن دسته از توانایی‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که به کشورها در جذب آنچه می‌خواهند کمک می‌کند. این توانایی‌ها هزینه دستیابی به اهداف و موارد استفاده از اجبار را برای کشورها کاهش می‌دهد (Nye, 2004: 11-15).

بر اساس الگوی قدرت نرم، کشورها می‌کوشند کنشگران دیگر را وادار به همسویی با منافع خویش کنند. در این معنا قدرت نرم به ظرفیت نفوذ و یا حتی ایجاد تغییر در افکار عمومی کشور هدف محدود نمی‌شود، بلکه مفهوم وسیعی است مشتمل بر همکاری‌های کوتاه و بلندمدت که مبتنی بر پیگیری منافع متقابل است. به یک تعبیر قدرت نرم به جای استفاده از اجبار، دیگران را اقناع^۲ می‌کند. اقناع به آنچه که به واسطه وجود مزیت بدیهی برای طرفین به دست خواهد آمد. همچنین قدرت نرم با استفاده از کنش‌ها و تصمیم‌های متناسب به منظور افزایش اعتبار یک کشور به کار می‌رود.

البته باید توجه داشت که فضای تأثیرگذاری قدرت نرم و حوزه نفوذ آن با فضای صرف تبلیغاتی و گسترش دامنه تبلیغات و اثرات مبتنی بر احساسات ناشی از نفوذ تبلیغاتی کاملاً تفاوت دارد، اگرچه امروزه تبلیغات به عنوان یکی از ابزارها و یا روش‌های قدرت نرم مطرح است. به تعبیر دیگر قدرت نرم را نباید با عوام‌گرایی همسان دانست. قدرت نرم به معنای تخصصی کردن، عقلانی کردن و علمی شدن حوزه نفوذ قدرت در همه عرصه‌ها است. جوزف نای معتقد است که جذابیت موضوعاتی همچون قدرت نرم از سه منبع مجزا مشتق می‌شود؛

- ضرورت وجود درک مناسب از مفهوم فرهنگ؛

- ارزش‌ها و آنچه که درون و یا بیرون از حیطه وظایف دولت‌ها باید به آن پرداخته

شود؛ و

- سیاست خارجی به عنوان سیاستی مشروع و به لحاظ اخلاقی مطلوب.

^۱. Joseph Nye

^۲. Persuasion

به اعتقاد نای برخی از عواملی که تولیدکننده و یا تقویت‌کننده قدرت نرم هستند عبارت هستند از؛ ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، ارتباط دیپلماتیک مناسب و گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارائه تصویر مطلوب از خود، طراحی و انجام راهبردها و سیاست‌های مقبول، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، کسب جایگاه علمی پیشرفته، توانمندی اقتصادی بالا، قدرت شکل‌دهی و مهار افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، قدرت تولید و نشر محصولات رسانه‌ای متنوع به کشورها و نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی.

برخلاف قدرت سخت، قدرت نرم می‌تواند رفتار کشورها را بدون اجبار و با ارائه منافع اقتصادی تغییر دهد. به یک تعبیر قدرت نرم دیگران را تحریک می‌کند تا هر آنچه را که در نظر دارند، آرزو کنند. این امر به واسطه داشتن قدرت برخاسته از جذابیت، تحقق خواهد یافت. البته در نگاه جوزف نای قدرت سخت، گاه می‌تواند قوام‌بخش قدرت نرم باشد و کارویژه جذابیت را به عنوان محور قدرت نرم برای مخاطبان داشته باشد (Ibid, 7).

تحولات دهه‌های اخیر در حوزه روابط بین‌الملل نیز، حاکی از اهمیت قدرت نرم در دستیابی به اهداف و بهبود روابط میان دولت‌ها است. از این رو، کسب وجهه و اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی از جمله اهداف مهم و در عین حال تصریح شده و نشده دیپلماسی کشورها در حوزه سیاست بین‌الملل است که این مهم به تناسب موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی هر کشور به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود. به همین دلیل دولت‌ها درصدد تحکیم بنیان‌های معرفتی فرهنگ خود و گسترش ارزش‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های تولید شده به فراسوی مرزهای جغرافیایی خود هستند. دولت‌ها با بهره‌گیری از روش اقناع فرهنگی به جای کاربرد زور در نظر دارند اذهان و افکار عمومی جهانیان را با اهداف خود همسو سازد.

۱. تاثیر تحولات جهانی بر قدرت نرم روسیه

۱-۱. تحولات سیاسی اروپای شرقی تا جنگ گرجستان (۲۰۰۳-۲۰۰۸)

به لحاظ زمانی دگرگونی‌های سیاسی گرجستان و اوکراین در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ بهترین مقطع برای اعمال قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه بود. این حوادث تقریباً زمانی رخ می‌داد که سه جمهوری لتونی و لیتوانی و استونی وارد اتحادیه اروپا شده

بودند و این اتحادیه در حال گسترش به سمت شرق و مرکز اروپا بود. هر دوی این فرایندها در نظر مسکو به مثابه تهدید و سرانجام به عنوان شکست سیاست خارجی روسیه تلقی می‌شد (Kortunov, 2005). مسکو متوجه شد که چیرگی غرب بر روسیه در فضای پس از جنگ سرد به واسطه دسترسی بهتر به افکار عمومی از طریق شبکه‌های قدرت نرم توسعه‌یافته، همچون سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌ها بوده است. روسیه چنین ابزارهایی را به عنوان بخشی از جریان تبلیغاتی غرب تلقی کرد و در صدد مقابله برآمد. واکنش روسیه به رشد نفوذ غرب به گونه‌ای بوده که گاه با تنظیم پاسخی مرامی نیز همراه شده است. کرملین در ابتدا شروع به انتقاد از الگوی مردم‌سالاری غربی و مبانی لیبرالی آن کرد. در اینجا منظور از الگوی لیبرال غربی یعنی آنچه که از منظر روس‌ها در بردارنده رویکرد امپریالیستی برای گسترش ارزش‌های غربی در سایر مناطق جهان است. در سال ۲۰۰۴ وزیر دفاع روسیه - سرگئی ایوانف^۱ - عنوان کرد: "همان‌طور که مردم‌سالاری غربی در جهان بر پا گشته است، ضرورت دارد تا وجود نمونه شرقی را نیز در آن متصور شد" (Российская Газета, 2004). پس از آن، الگوی "مردم‌سالاری ناشی از حاکمیت مستقل"^۲ توسط ولادیسلاو سورکوف^۳ - معاون نخست‌وزیر این کشور - به عنوان نمونه جدید حاکمیت اجتماعی عرضه شد (Сурков, 2006). کرملین همچنین تلاش کرد تا پیام مثبت و روشنی را برای مخاطبانی که پیش‌تر در دوران اتحاد جماهیر شوروی می‌زیستند، تدوین و ارسال کند. این دیدگاه مبتنی بر آن بود که جامعه روس‌زبانان نیاز مبرم به یک ایده همگرایانه دارد. تصمیم آنها این بود که بهترین مسیر برای همگرایی دوباره این ملت‌ها، ارجاع به پیروزی این کشور بر آلمان نازی در جنگ جهانی دوم خواهد بود. در این مورد حمایت از فیلم‌ها و جشن‌هایی که در ارتباط با این پیروزی تولید و برپا می‌شوند در دستور کار قرار گرفته است.

با وقوع تحولات سیاسی و یا "به اصطلاح انقلاب‌های رنگین" در منطقه اروپای شرقی و دور شدن مدیریت سیاسی کشورهایی همچون اوکراین و گرجستان از دست روس‌ها، اعمال نفوذ مسکو در کشورهای هدف از طریق سازمان‌های غیردولتی، نفوذ کلیسای ارتدوکس و اشاعه رسانه‌ای همراه بوده است. این سه عامل، طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ به عنوان پاسخ

^۱. Сергей Иванов

^۲. Sovereign Democracy

^۳. Владислав Сурков

مسکو به افزایش نفوذ غرب در کشورهای حوزه بالتیک، اوکراین و گرجستان به حساب می‌آمد. در این مقطع ماهیت فعالیت‌های قدرت نرم روسیه عمدتاً از جنس تبلیغ علیه عملکرد غرب و انتقاد از آن بود.

با ورود نیروهای روسی به خاک گرجستان در حمایت از استقلال جمهوری آبخازیا و اوستیای جنوبی، تصویر آن کشور نزد رهبران کشورهای همسود با تردید مواجه شد. این تردید نسبت به عملکرد روسیه در برابر اعلام استقلال یک جمهوری نوپا و نیز نگرانی از تمامیت ارضی کشور خویش در آینده بود، اما روسیه به منظور بهبود روابط سیاسی-اجتماعی با همسایگان، پس از جنگ سال ۲۰۰۸ از مزیت‌های کلیسای ارتدوکس بهره کافی برد. پاتریک کریل^۱ - اسقف اعظم کلیسای ارتدوکس روسیه- در این بازسازی نقش مهمی را برعهده داشت. اسقف مسکو صلاحیت متعارف کلیسای گرجستان را بر سر مناطق جداشده آبخازیا و اوستیای جنوبی به رسمیت شناخت و از آن حمایت‌های مالی کرد (Portnikov, 2010).

پس از وقوع جنگ با گرجستان در سال ۲۰۰۸ بود که در پیش‌گرفتن سیاست هم‌میهنی با تایید و تصدیق سازمان‌های اجتماعی و مدنی روسیه و فعالیت‌های برخی اشخاص برای ترویج و حفظ زبان و فرهنگ روسی همراه شد (Grigas, 2012: 9). پس از جنگ، روسیه تصمیم گرفت تا نفوذ خود را در منطقه کشورهای همسود از طریق ایجاد همگرایی میان نیروهای وفادار به مسکو که در آن سرزمین‌ها ساکن هستند، گسترش دهد. نقطه اوج این رویکرد، حضور روسیه در شبه جزیره کریمه برای حمایت از ساکنان روس تبار آن بود که با تشدید بحران سیاسی اوکراین در اوایل سال ۲۰۱۴ صورت گرفت.

۲-۱. بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹

در سال ۲۰۰۸، اگرچه روسیه به عواقب وخیم بحران اقتصادی جهانی مبتلا نشد، اما سایر کشورهای مستقل شده از اتحاد جماهیر شوروی خصوصاً کشورهای حوزه بالتیک و قفقاز دچار مشکلات اقتصادی-اجتماعی جدی شدند. مسکو با توجه به ذخیره مالی مناسب، توانست یک رشته اقدام‌های مهار بحران^۲ را - که به ثبات بازار کار به عنوان منبع مالی بسیاری از بنگاه‌های تجاری کمک می‌کرد- انجام دهد. وضعیت اقتصادی مثبت، نخبگان روسی را

^۱. Патриарх Кирилл, (Владимир Михайлович Гундяев)

^۲. Crisis Control

برانگیخت تا از طریق تعدیل اثرهای بحران در مناطق بحرانی، نفوذ سیاسی-اقتصادی روسیه را در حوزه کشورهای همسود گسترش دهند. با دستیابی به سهام عمده چندین شرکت بزرگ انرژی، روسیه انحصار خود را در بازار انرژی منطقه تقویت کرد. در واقع، این اقدامها با سرمایه‌گذاری مشترک شرکت‌های روسی در بخش انرژی همراه بود.

از سوی دیگر تلاش‌های اروپا برای ایجاد یک منطقه آزاد تجاری با همسایگان شرقی موجب شد تا کرملین به تقویت و توسعه طرح‌های جایگزین برای همگرایی با کشورهای نواستقلال بپردازد. ایجاد اتحادیه گمرکی با بلاروس و قزاقستان مهم‌ترین طرح اقتصادی روسیه تا سال ۲۰۱۲ به حساب می‌آمد. تلاش‌های تشویقی و ترغیبی روسیه برای عضویت سایر کشورهای همسود- به ویژه اوکراین- در این سازمان همواره از سوی اروپا به عنوان اقدامی تلقی شده که هدف از آن جلوگیری از عضویت این کشورها در اتحادیه اروپایی است. با وجود آن که پیشنهادهای اقتصادی اتحادیه اروپا به کشورهایی همچون اوکراین جذاب‌تر به نظر می‌رسد، اما بسیاری معتقد هستند که به دلیل نزدیکی ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دستیابی به منابع مطرح شده در پیشنهادهای روسیه برای کشورهای همسود آسان‌تر و سریع‌تر می‌نماید. استفاده دقیق از منابع انرژی به عنوان ابزار قدرت نرم این قابلیت را دارد که موجب ارتقا تسلط اقتصادی آن کشور بر حوزه ژئوپلیتیک مورد نظر شود.

اما برخی ارائه قیمت گاز از سوی روسیه به سایر کشورها را به منزله افزایش قدرت نرم ندانسته و آن را بخشی از گسترش امتیازهای سیاسی یک‌طرفه در منطقه می‌دانند. آنها معتقد هستند که هزینه‌ای که دولت‌هایی همچون اوکراین در ازای این قبیل کمک‌های اقتصادی می‌پردازند، بسیار زیاد بوده و منافع کوتاه مدت را تنها برای آن کشور به ارمغان آورده است. موضوعی که در درازمدت منجر به تضعیف استقلال سیاسی و عدم توسعه اقتصادی متوازن شریک‌های روسیه می‌شود. در آوریل ۲۰۱۰ روسیه و اوکراین بر سر قیمت کاهش یافته گاز طبیعی به تفاهم رسیدند. در مقابل اوکراین موظف شد تا اجاره استقرار ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه را به مدت ۲۵ سال پس از سال ۲۰۱۷ تمدید کند. در جریان اعتراض‌هایی که از اواخر سال ۲۰۱۳ در اوکراین شروع گردید و به بحران کنونی انجامید بیشترین انعکاس چالش‌های اقتصادی قدرت نرم روسیه مشاهده شد. به طوری که پرداخت کمک‌های ۱۵ میلیاردی وعده داده شده به دولت اوکراین تا مشخص شدن وضعیت ملت‌های آن کشور به حال تعلیق درآمد و با روی کار آمدن دولت غرب‌گرا در کیف عملاً از

سوی کرملین لغو شد. جرج فریدمن^۱ نگرانی مسکو از محاصره مرزهای دریایی خویش را توسط غرب دلیل تحرکات فزاینده روسیه به منظور جلوگیری از ورود اوکراین به اتحادیه اروپا قلمداد کرده است. وی معتقد است بندرهای اوکراین- اودسه^۲ و سواستوپول^۳ - آخرین بندرهای است که روسیه در صحنه عملیاتی خارج از قلمرو خود می‌تواند به وسیله آنها در مدیترانه حضور داشته باشد. در واقع، اهمیت این بندرها از بندر روسی نووی روسیسک^۴ نیز برای روسیه بیشتر است (Friedman, 2014). روسیه همچنین به بلاروس پیشنهاد کرده تا در ازای قیمت ویژه گاز برای این کشور، بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌های راهبردی بلاروس را به شرکت‌های روسی منتقل کند (Белорусские Новости, 2011). بنابراین دیدگاهی دیگر بر این مطلب تاکید دارد که بهره‌مندی از منابع عظیم انرژی نیز یکی دیگر از مجاری قدرت نرم روسیه محسوب شود. دلیل این افراد نیز جایگاه برتر روسیه در حوزه ذخایر انباشته انرژی در سطح جهانی است (Ćwiek-Karpowicz, 2012: 57). روسیه در جایگاه اول ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی و هشتم نفت خام قرار دارد که این کشور را به عنوان یکی از مهم‌ترین تامین‌کنندگان انرژی تبدیل کرده است، اما فرسودگی تاسیسات و به طور کلی صنعت نفت آن کشور باعث شده تا روس‌ها به توسعه زیرساخت‌های اصلی انرژی متمایل شوند. بخش انرژی روسیه به دلیل ناکارآمدی نیاز فراوانی به تزریق سرمایه به منظور حفظ سطح بالای محصولات نفتی دارد. با این حال نزدیکی جغرافیایی منابع انرژی روسی به مثابه یک جاذبه اقتصادی برای همه کشورهای است که در همجواری این منابع قرار دارند و نیازمند این منابع هستند (Nye, 2011: 97).

همچنین به نظر می‌رسد، روسیه تلاش می‌کند تا مشارکت بیشتری برای کمک به توسعه جهانی به انجام رساند. از جمله آن که در سال ۲۰۰۹ تقریباً ۴۷۲ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۰ به میزان ۷۸۵ میلیون دلار در این مورد هزینه کرد. این ارقام در فاصله سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ تنها در حدود ۲۰۰ میلیون دلار بود و عمدتاً روانه کشورهای تازه استقلال شده است (Transparency International, 2010).

¹. George Friedman

². Odessa

³. Sevastopol

⁴. Новороссийск

۲. نگرش‌های جدید به قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه

۲-۱. سیاست هم‌میهنی^۱ روسیه

روزنامه راسیسکایا گازیته تا^۲ در مصاحبه با سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در اکتبر ۲۰۰۸ اعلام کرد که سیاست روسیه در ارتباط با هم‌میهنان روس ساکن در خارج روسیه براساس اصول قدرت نرم خواهد بود (Шестаков, 2008). دانستن این نکته ضروری است که افراد ساکن در خارج روسیه چه کسانی هستند؟ اصطلاح هم‌میهن^۳ از سال ۱۹۹۹ وارد قانون اساسی روسیه گردید که در فوریه سال ۲۰۱۰ مورد اصلاح قرار گرفت. در آن قانون هدف از تعریف واژه هم‌میهن، شناسایی طیف وسیعی از افراد روس خارج از روسیه به منظور امکان اتصال عملی آنها با کشور مادر تعبیر شد. این ارتباط می‌تواند از راه عضویت در یک سازمان غیردولتی روسی که در خارج از کشور فعالیت می‌کند، محقق شود. در نگاه انتقادی، چنین تعبیری می‌تواند به مثابه ایجاد گروهی از افراد هم‌میهن براساس مشاغل و حرفه‌های متنوع تلقی شود و نه داشتن اشتراکات اولیه هم‌میهنی؛ همچون زبان، نژاد، هویت، سرزمین.

تعریف ارائه شده به سیاستمداران روسی اجازه داده بود تا همه ساکنان روس‌زبان در کشورهای همسایه را به مثابه مخاطبان سیاست هم‌میهنی در نظر بگیرند. به طوری که تاکنون مسکو همواره نگرانی خود را درباره وضعیت زندگی این افراد در کشورهای همسایه ابراز داشته و حمایت از آنان را به عنوان یک اصل و تعهد اخلاقی بر خود لازم می‌داند. این سیاست هم‌اکنون توسط شورای بین‌المللی هم‌میهنان روس دنبال می‌شود.

بحث درباره اصول سیاست هم‌میهنی تا حدود زیادی با جستجوی مداوم هویت توسط دولت روسیه مرتبط است. ترکیب چندقومی جمعیت روسیه، این امکان را به طرفداران این سیاست نمی‌دهد تا آن را براساس قالب‌های قومیتی بنا نهند. مارلین لاروتل^۴ در تحقیق خود با عنوان "مهاجران روسی و هم‌وطنان روسی"^۵ به این مطلب می‌رسد که تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی روسیه به دنبال یافتن راهی برای یکسان‌شدن وضعیت

^۱. Russia's Compatriot Policy

^۲. Российская Газета

^۳. Compatriot

^۴. Marlene Laruelle

^۵. Russian Diaspora and the Russian Compatriots

زندگی کسانی هستند که در خارج از کشور زندگی می‌کنند. افرادی که به نوعی مشمول تعهدات حقوقی، اخلاقی و یا سایر جنبه‌ها می‌شوند. می‌توان تصور کرد که تاکید بیش از این بر یکی از جنبه‌های اشاره شده، ممکن است موجب بروز اختلال در کلیات این سیاست شود. انعطاف‌پذیری اندک این سیاست تصمیم‌گیرندگان را بر آن داشت تا برای گسترش دامنه توصیفی آن به ارائه ایده جدیدی تحت عنوان جهان روسی ترغیب شوند. این ایده باید پیوندهای مشترک میان روسیه و مهاجرانی که سال‌ها قبل آن را ترک کرده بودند را محقق کند (Ларюэль, 2006).

۲-۲. جهان روسی^۱

اگرچه اصطلاح جهان روسی ارائه‌کننده درک قابل فهم از همه افراد روس‌زبان می‌باشد، ولی مفهوم ارزشی از فرهنگ روسی و ماموریت جهانی آن را شامل می‌شود. چنین ایده‌ای در آغاز دهه ۹۰ میلادی و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که فضای جامعه روسیه متأثر از سرخوردگی ناشی از فضای پسا جنگ سرد بود، هویدا گشت. شدروویتسکی^۲ در سال ۲۰۰۰ مقاله‌ای با عنوان "جهان روسی و ویژگی‌های فراملی روس‌ها"^۳ نوشت که در آن وی ایده‌های اصلی و اهداف جهان روسی را تبیین کرد. وی زبان روسی را به عنوان شالوده مباحث خویش در نظر گرفت. در انجام این کار وی ایده‌های خود را براساس اندیشه‌های فیلسوفان آلمانی در قرن هجدهم و با توجه به ارتباطات متقابل میان فرایندهای زبانی و فکری مطرح کرد. همپنین وی معتقد بود که یک فرهنگ تنها ممکن است از طریق زبان حامل آن آموخته و شناخته شود. برای شناسایی فرهنگ روسی، شدروویتسکی تاکید داشت که آنهایی که روسی صحبت می‌کنند در هر روز زندگی خویش، نه تنها روسی فکر می‌کنند، بلکه روسی هم رفتار می‌کنند (Щедровицкий, 2000).

ایده جهان روسی در آغاز به موازات ایده روس‌های هم‌میهن گسترش یافت که به قدرت رسیدن پوتین نقطه اوج تاکید و ترویج این ایده بوده است؛ اما از آنجا که تعلق به یک مجموعه فرهنگی - زبانی به عنوان عامل اصلی تعلق به جهان روسی در نظر گرفته شده است،

^۱. Русский Мир

^۲. Петр Щедровицкий

^۳. Русский Мир и Транснациональное Русское

نمی‌توان قلمرو وسیعی را برای آن متصور بود. همین ویژگی این امکان را به دولت خواهد داد تا اهداف سیاست خارجی خود را حفاظت از منافع هموطنان در گستره وسیعی از شهروندان سایر کشورها ترسیم کرده و به‌گونه‌ای منعطف آن را با تغییر اوضاع انطباق دهد. پوتین که در سخنرانی مجمع هموطنان ساکن در خارج از روسیه از این دیدگاه حمایت کرده بود و واژه - هم‌میهن- را صرفاً یک اصطلاح حقوقی در نظر نگرفته بود، تلاش کرد تا ایده جهان روسی را فراتر از مرزبندی‌های جغرافیایی و نژادی در روسیه تبیین و بر پیوندهای زبانی و قومی تاکید کند (Tsygankov, 2006: 1089).

۲-۳. رقابت ارزش‌ها

در تبیین قدرت نرم، نای معتقد است که منابع قدرت ممکن است شامل ارزش‌های خاصی از جمله احساس تعلق هویتی به یک کشور و همسو با سیاست خارجی آن شود. طی اولین دوره ریاست جمهوری پوتین، نخبگان سیاسی روسیه تلاش فراوانی را برای یافتن یک هویت مشترک آغاز کردند. چنین هویتی به تقویت همگرایی و ارتقا قدرت داخلی جامعه روسیه کمک فراوان می‌کرد.

روس‌ها امروز با یک پدیده چالش‌زای اجتماعی تحت عنوان تضعیف ساختارهای هویتی مواجه هستند. مفاهیمی همچون اتحاد روس‌ها در داخل سرزمین اصلی روسیه موجب افزایش حس قربت میان روس‌های ساکن این کشور با آن دسته از مردمانی می‌شود که در خارج از کشور با هویت روسی زندگی می‌کنند. ریشه‌های سیاسی این مطلب نیز در آرای سیاستمدارانی نهفته است که نیاز اصلی جامعه روسیه را ایجاد یک ایده همگرایانه در درون جامعه به منظور بسیج سیاسی به موقع نیروها می‌دانند (بیلینگتون، ۱۳۸۵: ۱۹۰). در سال‌های اخیر آنچه که در میان رسانه‌های روسیه- به ویژه تلویزیون- با اهمیت گردیده، ارائه و بازآفرینی آثاری در ارتباط با پیروزی اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم بر ارتش نازی است. کسب این پیروزی در داخل جامعه روسیه به واسطه وجود دو عنصر در دوران جنگ یعنی وجود دولت توانمند و مقاومت مردم قلمداد می‌شود؛ با این حال کلیسای ارتدوکس^۱ - که از آن به عنوان نهادی وراملی و یکی از ارکان و اجزای قدرت نرم کشور یاد شده است- نیز از طریق اشاعه جنبه‌های سنتی ارزش‌های فرهنگی خویش همچون اهرمی قوی در برابر

1. РусскаяПравоСлавная Церковь (РПЦ)

اندیشه‌های لیبرالی غرب عمل می‌کند. در این مورد طراحان ایده جهان روسی در صدد بوده‌اند تا میان رسالت مردمان آن کشور و نشر ارزش‌های خویش پیوند زده و بر همین اساس اهداف سیاست هم‌میهنی را تامین کنند (Blank, 2012: 198-205).

گسترش و نشر چنین ارزش‌هایی که به طور عملی از سال ۲۰۰۸ به وسیله تاسیس مراکزی همچون "موسسه مردم‌سالاری و همکاری"^۱ در نیویورک و پاریس دنبال شده‌اند، جلوه‌هایی از به کارگیری راهبردهای قدرت نرم را در سیاست خارجی منعکس می‌کند. روسیه اهداف رسمی خود را از تاسیس چنین مراکزی، درک مواضع این کشور در مورد مسایلی همچون حقوق بشر و مردم‌سالاری برای سایر ملت‌ها و دولت‌ها بر شمرده است. مسکو همواره نسبت به استفاده از استانداردهای دوگانه از سوی غرب درباره حقوق بشر معترض بوده و رویه انتقادی به آن داشته است. تاسیس چنین مراکزی در اروپا و آمریکا امکان بحث و تبادل نظر درباره نقطه‌نظرهای دوطرف در مورد برخی مسایل از جمله مسایل مربوط به آزادی‌های سیاسی و حقوق بشر را افزایش داده است.

روسیه از منظر ارزش‌های سیاسی، خود را در رقابت مستقیم با اروپا و ایالات متحد آمریکا می‌یابد. در اینجا مسأله ارزش‌های سیاسی به مثابه مرام سیاسی پس از جنگ سرد تلقی می‌شود. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روشن شد که همه آنچه که در ارتباط با ایده‌های لیبرالیسم مشهور بود، تنها منحصر و مربوط به ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای غربی خواهد بود. حال آنکه چنین وضعیت و ایده‌ای برای روسیه در فضای پساکمونیسیم از لحاظ قابلیت و توان نفوذ^۲ قبلاً وجود نداشته است و روسیه مجبور شده تا مرام سیاسی و رقابتی منحصر به خود را به منظور توسعه قدرت نرم ایجاد کند.

۲-۴. ابزارهای فرهنگی

از عناصر مهم قدرت نرم روسیه، فرهنگ روسی است. چنین رهیافتی را که به طور فزاینده با موضوعات تجاری مدرن در هم آمیخته شده است، وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ روسیه اعمال می‌کنند. مقصد اصلی این فرهنگ کشورهای حوزه بالتیک، قفقاز و

^۱. Институт Демократии и Сотрудничества

^۲. Potential Influence

آسیای مرکزی است. در سال‌های اخیر کشورهای حوزه آمریکای شمالی، اروپا، چین، ژاپن، هند و ترکیه نیز در محدوده اعمال قدرت نرم روسیه قرار گرفته‌اند (Паршин, 2013: 25).

به منظور استفاده از قدرت نرم، نای اشاره به ارتباطات روزانه و راهبردی و همکاری با رهبران فکری دارد. فرهنگ ارتباط تنگاتنگی با زبان دارد. هم‌اکنون زبان روسی در بسیاری از دانشگاه‌های کشورهای حوزه بالتیک و کشورهای همسود به عنوان زبان علمی شناخته می‌شود و دوره‌های بلندمدت آموزش عالی بر مبنای آن ترسیم و تدوین شده است. این مطلب شاید در کشورهای بالتیک و قفقاز امر عجیبی نباشد، اما در حوزه آسیای مرکزی و با وجود قومیت، نژاد و فرهنگ‌های متنوع و متفاوت به یک تناقض نمای معنایی و زبانی تبدیل شده که در رقابت جدی با نهادهای غربی حاضر در آسیای مرکزی قرار دارد. از جمله این نهادها دانشگاه آمریکایی آسیای مرکزی^۱ در بیشکک پایتخت قرقیزستان است. این دانشگاه در سال ۱۹۹۳ تاسیس شد و زبان رسمی تدریس در آن انگلیسی است. علاوه بر این دانشگاه چندین نهاد فرهنگی غربی در کشورهای آسیای مرکزی حضور دارند که منافع کرم‌لین را در حوزه استفاده از قدرت نرم و ابزارهای آن از جمله زبان و فرهنگ روسی محدود می‌کند.

فرهنگ روسی در خود کشور روسیه از طریق افزایش کنشگری در حوزه‌های ارتباطی، نقش مهمی در اثرگذاری بر مخاطب خویش دارد. برنامه‌های تلویزیونی روسیه در کشورهای همسایه از جمله در کشورهای حوزه بالتیک و نیز کشورهای همسود محبوبیت بسیار داشته و روس‌ها تلاش کردند تا با استفاده از گسترش شبکه‌های تلویزیونی - ماهواره‌ای بخش عمده‌ای از فرهنگ، ادبیات و موسیقی مشهور خود را در قالب فیلم‌های سینمایی، تئاتر، تله‌فیلم‌های تلویزیونی و برنامه‌های شاد همچون جُنگ‌های تلویزیونی برای همه رده‌های سنی به سایر کشورهای روس‌زبان ارسال کنند. همچنین در چند سال اخیر پخش فیلم‌های خاطره‌انگیز^۲ دوران اتحاد جماهیر شوروی که منعکس‌کننده وضعیت ویژه آن دوران است در رسانه‌های روسی از جمله تلویزیون و در فضای مجازی به طور گسترده افزایش یافته است. اقدام‌های اشاره‌شده امکان معرفی روسیه را به عنوان یک قدرت موثر در حوزه ارتباط با همسایگان خود تقویت کرده است. به طور کلی با محوریت مسکو، بازسازی و ترمیم انتزاعی ساختار اجتماعی به ساختار اولیه که پیش از پایان جنگ سرد وجود داشت در حال انجام است.

^۱. American University of Central Asia

^۲. Nostalgic

فعالیت رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی یکی از مسیرهای موازی است که می‌تواند از طریق ایجاد زمینه، تغییرات اجتماعی خود را به رفتار سیاستمداران کشورهای مخاطب نزدیک کند و تصمیم‌های آنان را تحت‌الشعاع قرار دهد. طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ واکنش مسکو به تلاش‌های آمریکا در ارتباط با وقوع تحولات سیاسی در اوکراین، گرجستان، قرقیزستان، ایجاد سازمان‌های غیردولتی در کشورهای همسود و حوزه بالتیک بود (Bogomolov&Lytvenenko, 2012: 7). با وجود آن که بسیاری هدف از این تصمیم را اعمال نفوذ بر فرایند سیاسی کشورهای مدنظر قلمداد می‌کنند، اما باید این نکته را در نظر داشت که با توجه به اقدام‌های پیشگیرانه‌ای که از سوی روسیه به منظور مقابله با جنگ نرم آمریکا انجام گرفت، چنانچه این اقدام‌ها انجام نمی‌شد در انتخابات مجلس آن کشور در اواخر سال ۲۰۱۱ و نیز حضور مجدد پوتین در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ همان نتیجه‌ای حاصل می‌شد که در سایر موارد مشابه در کشورهای همچون اوکراین، گرجستان و قرقیزستان از سوی غرب انجام شد. از سوی دیگر کرملین ضمن بهره‌مندی از رسانه‌های دولتی و غیردولتی، فعالیت‌های "بنیاد دنیای روسی"^۱ را نیز حمایت می‌کند. این بنیاد نقش به‌سزایی در مدیریت فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی طرفدار دولت روسیه در خارج از کشور دارد. تاسیس بنیاد دنیای روسی تحت حمایت‌های وی‌اچ‌ی‌اس‌لاو نیکانوف^۲ - سیاستمدار و اندیشمند سیاسی نزدیک به کرملین - در سال ۲۰۰۷ نمونه خوبی است از اجرای عملی ایده جهان روسی. از جمله اهداف اصلی و پایه‌ای این بنیاد گسترش نشر و آموزش زبان روسی در سایر کشورها است. تا سال ۲۰۱۰ این بنیاد تعداد ۵۰ مرکز آموزش زبان روسی را در ۲۹ کشور دنیا راه‌اندازی کرده است (Kudors, 2010: 4).

۳. نوسازی قدرت نرم در روسیه

با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین علاقه فراوانی برای بهره‌مندی از ابزارهای قدرت نرم در سیاست خارجی پدیدار شد. پوتین در مقاله‌ای که پیش از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ نوشته بود به این موضوع با عنوان استفاده از روش‌های کسب اهداف سیاست خارجی با استفاده از اطلاعات هوشمند و سایر اهرم‌های نفوذ بدون بهره‌گیری از منابع نظامی،

^۱. Фонд Русский Мир

^۲. Вячеслав Алексеевич Никонов

اشاره کرد (Коммерсантъ, 2012). دو ماه پس از آغاز دوره جدید ریاست جمهوری پوتین در سال ۲۰۱۲، وی در نشستی با سفیران و نمایندگان دائمی روسیه در سازمان‌های بین‌المللی استدلال کرد که قدرت نرم به مثابه مجموعه عظیمی از فعالیت‌ها است که مروج منافع و سیاست‌های فرد از طریق ترغیب دیگران و حتی ایجاد تصور مثبت از یک کشور خواهد بود؛ مقوله‌ای که مبتنی بر میراث فکری و معنوی است و نه دستاوردهای معنوی (Президент России, 2012). آلکسی دالینسکی^۱ معتقد است که تعریف قدرت نرم در روسیه با آن معنایی که از این واژه حاصل می‌شود، متفاوت است. وی قدرت نرم روسیه را بیشتر موضوعی دانسته که بر اهرم‌های نفوذ تاکید می‌کند. از نگاه وی این یک شیوه نامرسوم برای پیشبرد رسالت قدرت نرم در حوزه بین‌المللی بوده است. وی نقص قدرت نرم روسیه را در این می‌داند که تمام فعالیت‌های آن کشور که پیش‌تر ذکر شد در محدوده اهداف قدرت نرم قرار نمی‌گیرد، بلکه نمونه‌های روشنی از تبلیغ نرم است که لزوماً به اهداف قدرت نرم نمی‌انجامد (Dolinsky, 2012). موضوعی که شاید از محافظه‌کاری دیپلماسی روسی و تلاش آن کشور برای آنچه جوزف نای آن را پس از ابعاد نظامی و اقتصادی بعد سوم قدرت با استفاده از ابزار دولت می‌داند، ناشی شود. البته باید به این نکته اشاره کرد که بسیاری از منابع قدرت نرم که خارج از کنترل دولت‌ها است، تاثیراتی عمدتاً غیرمستقیم و مبتنی بر پذیرش مخاطبان دارد.

در دوران دیمیتری مدودیف، روسیه بخش مقدماتی استفاده از ابزارهای قدرت نرم را در سیاست خارجی آغاز کرد. در سال ۲۰۰۸ موسسه روسی همکاری‌های علمی-فرهنگی بین‌المللی^۲ که برای برقراری روابط دوستانه و فرهنگی با کشورهای خارجی در زمان اتحاد جماهیر شوروی تاسیس شده بود، شروع به فعالیت کرد. هدف این موسسه انجام فعالیت‌های بشردوستانه در کشورهای همسود و نیز حمایت از روس‌زبانان خارج از روسیه بود. فعالیت‌های این موسسه در ۷۶ کشور دنیا در حال انجام است که برخی آن را با موسسه توسعه بین‌الملل ایالات متحده آمریکا^۳ مقایسه می‌کنند. این موسسه بنا است تا به مرکز هماهنگی برای انواع فعالیت‌های مختلف بشردوستانه خارجی روسیه، حمایت از روس‌زبانان

^۱. Алексей Долинский

^۲. Российский Центр Международного Научного и Культурного Сотрудничества

^۳. USAID: United States Agency for International Development

ساکن در خارج از سرزمین مادری، حفظ میراث فرهنگی روسیه، ترویج فرهنگ و زبان روسی و نیز همکاری‌های علمی و آموزشی تبدیل شود. برنامه پردامنه و وسیع این موسسه، نوید افقی گسترده را برای آن در آینده می‌دهد. به طوری که در رهنامه جدید سیاست خارجی روسیه این موسسه به عنوان یکی از کنشگران اصلی توسعه و اجرای برنامه‌های خارجی در نظر گرفته شده است.

دیمیتری مدودیف در سال ۲۰۱۰ فرمان تاسیس دو سازمان جدید با اهداف سیاست خارجی را صادر کرد؛ بنیاد گورچاکف برای حمایت دیپلماسی عمومی^۱ و شورای امور بین‌المللی روسیه^۲. بنیاد گورچاکف به افتخار الکساندر گورچاکف^۳ - دیپلمات برجسته روس‌ها در قرن نوزدهم و یکی از شاگردان الکساندر پوشکین - نامگذاری شده است. برخی این ابتکار را یک گام مهم در بهبود و ارائه تصویر مناسب از روسیه در خارج از کشور دانسته‌اند. شورای امور بین‌المللی روسیه نیز به عنوان رابط میان حاکمیت، کارشناسان، تجار و جامعه مدنی تلاش می‌کند تا برای مسائل سیاست خارجی روسیه راه‌حل ارائه دهد. ریاست شورای امور بین‌المللی بر عهده ایگور ایوانف^۴ - وزیر خارجه سابق روسیه - است. وی قدرت نرم را به عنوان شاه‌کلید سیاست خارجی هوشمند برای روسیه ارزیابی می‌کند و معتقد است، "روسیه باید بتواند به سرعت ابزارهای سیاست خارجی خود را گسترش و به‌روز کند. سیاست خارجی هوشمند به رهبرانی پرتوان برای استفاده وسیع از توانایی‌های عظیم یک کشور و یا جامعه خاص نیازمند است، این توانایی‌ها همان سرمایه‌های غیرمادی است که در دیپلماسی‌های سنتی عمدتاً مغفول واقع می‌شدند" (Shakirov, 2013: 2).

درباره نحوه به‌کارگیری ابزارهای قدرت نرم در روسیه نظرهای متعددی وجود دارد. کنستانتین کاساچف^۵ - رئیس وقت کمیته امور خارجی دومای دولتی روسیه - به این مطلب اشاره می‌کند که تاکنون توانایی‌های روسیه در به‌کارگیری صحیح قدرت نرم به اندازه رقیبان این کشور موثر واقع نشده است. کاساچف، اصلاح این ضعف را از طریق استفاده همزمان از تشویق و اجبار در راهبرد سیاست خارجی امکان‌پذیر می‌داند. در روسیه بخشی از سیاستمداران

^۱ Фонд Поддержки Публичной Дипломатии им. А.М. Горчакова

^۲ Российский Совет по Международным Дела(РСМД)

^۳ А.М. Горчакова

^۴ Игорь Сергеевич Иванов

^۵ КонстантиинИосифовичКосачёв

معتقد هستند که توافق اختیاری با شریکان تجاری و متحدان بالقوه به منظور همکاری با روسیه باید به عنوان موضوع اصلی عملیاتی شدن قدرت نرم در کشور تلقی شود. براین اساس، می‌توان گفت که روس‌ها یک نگرش مشترک به قدرت نرم دارند که منشا آن ریشه در جهان‌بینی کلی فرهنگ روس دارد؛ کاساچف در این مورد معتقد است، "روسیه باید این موضوع را درک کند که بخش‌های انسانی و غیرمادی زندگی بشر، نه تنها ارزشی کمتر از بخش‌های مادی آن نداشته، بلکه حتی شاید از آن وجه ملموس‌تری نیز دارد" (Kosachev, 2012). ایجاد موسسات دولتی که به پیشبرد اهداف قدرت نرم کمک می‌کنند، پاسخی است برای تشویق، تامین مالی و همچنین ترسیم و کارگردانی غیرمستقیم فعالیت‌های غیردولتی خارجی؛ موضوعی که از طریق آن انتظار روسیه برای نفوذ نرم برآورده خواهد شد.

۳-۱. بهره‌مندی از فضای مجازی در پیشبرد قدرت نرم

به منظور تاثیرگذاری فزاینده بر روندهای تولید قدرت نرم، روسیه به دنبال نوسازی رویکردهای دیپلماتی خویش از طریق حضور گسترده در فضای مجازی است. در سال ۲۰۱۱، وزارت امور خارجه روسیه نسخه جدیدی از صفحات پرکاربرد پایگاه مجازی و رسمی خود را بر روی شبکه فضای مجازی قرار داد. در ماه ژوئن ۲۰۱۲ اولین حساب کاربری یوتیوب^۱ این وزارتخانه راه‌اندازی شد که در مدت هفت ماه حدود ۳۴۵ نمایه کوتاه و بلند، تقریباً ۱۰۵۰۰۰ بار مورد مشاهده کاربران قرار گرفت. وزارت خارجه روسیه همچنین شروع به استفاده از پایگاه اجتماعی تویتر^۲ کرده است که تا فوریه ۲۰۱۳ حدود ۶۸ حساب کاربری را به خود اختصاص داده بود؛ اما برخی از این حساب‌ها که توسط سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های روسیه ایجاد و استفاده می‌شود، تنها به دو زبان روسی و انگلیسی اطلاعات و پیام‌ها را به اشتراک می‌گذارند (Shakirov, 2013:4)، عاملی که منجر به محدودیت گسترش و نیز مانع برقراری ارتباط با مخاطبان محلی شده است. البته این امر خود بخشی از نواقص رسانه‌های جدید نیز هست. در دیپلماسی سنتی بسیاری از اطلاعات از طریق منابع رسمی انتقال داده می‌شود و ارجاع عمومی به پایگاه‌های اجتماعی فضای مجازی برای دریافت مواضع رسمی کارگزاران بسیار اندک بوده است. طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ با وجود سه تا چهار برابر شدن مراجعه

^۱. YouTube

^۲. Twitter

به پایگاه فضای مجازی وزارت خارجه روسیه توسط کاربران، عملاً پشتیبانی محدودی توسط مدیران سایت از این حجم گسترده کاربران به عمل آمده است (Yakovenko, 2012). این موضوع نشان‌دهنده شکاف میان افزایش محبوبیت فضای مجازی و اولویت دستگاه دیپلماسی نسبت به موضوع فضای مجازی بوده است.

بر خلاف دیمیتری مدودیف، ولادیمیر پوتین نسبت به جایگاه فضای مجازی در روند سیاستگذاری روسیه اهمیت بیشتری قائل است. به طور مثال در نوامبر سال ۲۰۱۲ پوتین در آغاز دوره جدید ریاست جمهوری خود دستور ایجاد یک صندوق حمایتی از طرح‌های فضای مجازی داخلی را صادر کرد (Путин, 2012) در نشست با سفیران و نمایندگان روسیه در سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در ژوئیه ۲۰۱۲ پوتین دیپلماسی مجازی را یک فناوری سریع معرفی کرد که برای موثر بودن در آن روسیه باید خود را مجهز به نوآوری‌های پیشرفته‌تر کند (Президент России, 2012). نسخه جدید سیاست خارجی روسیه که در فوریه ۲۰۱۳ منتشر شد به صراحت بر استفاده گسترده‌تر از "قابلیت فناوری‌های جدید"^۱ به منظور دستیابی به اهداف قدرت نرم، ایجاد یک "تصویر عینی از منافع کشور"^۲ و ترمیم وضعیت "پشتیبانی از اطلاعات"^۳ در سیاست خارجی تأکید کرده است (The Ministry of the Foreign Policy of the Russian Federation, 2013). وجود این بند در رهنامه خود دلیلی است منطقی برای حضور گسترده در شبکه‌های مجازی توسط دستگاه سیاست خارجی آن کشور و عینیت‌یافتن رسمی ایده دیپلماسی مجازی.

۲.۳. آموزش عالی

نای در مورد قدرت نرم کشور خود یعنی ایالات متحد آمریکا معتقد است، "میلیون‌ها نفر از خارجی‌ها که طی سالیان متمادی در آمریکا به تحصیل پرداخته‌اند، ذخیره قابل توجهی برای این کشور و نشان‌دادن تصویری مثبت از آن در جوامع خود هستند. تعداد بیشماری از آنها در پایان دوره خود می‌توانند در کشورهای خود طرح‌هایی را اعمال کنند که برای سیاست‌های آمریکا مهم خواهد بود" (Nye, 2004: 13).

¹. Capability of New Technologies

². Objective Image of the Country

³. Information Support

براساس منابع وزارت علوم روسیه در سال ۲۰۰۸ تعداد پانزده هزار دانشجو از چین، صد و سی و پنج هزار دانشجو از قزاقستان، چهار هزار و چهارصد نفر از اوکراین، چهار هزار نفر از ویتنام، سه هزار و پانصد نفر از ازبکستان و دیگر کشورهای مستقل شده از اتحاد جماهیر شوروی در دانشگاه‌های روسیه تحصیل می‌کنند. این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۲۵۰ هزار نفر افزایش یافت (РИЯ новости, 2012). تحقیقی در فوریه ۲۰۱۲ در وزارت خارجه روسیه منتشر شد که در آن روسیه را کشوری دارای ذخایر مناسب و راهبردی در حوزه آموزش عالی قدرت نرم ارزیابی کرده است. با این حال این پژوهش تاکید می‌کند که تاکنون چنین ذخایری در آن به خوبی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند (Торкунов, 2013: 90). همان طور که نای اشاره می‌کند یکی از منابع سیاست خارجی گسترش ارائه خدمات آموزشی به دانشجویان خارجی است. حفظ و تداوم جذابیت دانشگاه‌های روسیه برای کشورهای همسایه و دولت‌هایی که مسکو در حال ایجاد و شکل‌دهی یک سیستم امنیت منطقه‌ای و همگرایی اقتصادی با آنها است برای کرملین اولویت دارد. در سال‌های اخیر دولت طرح‌های فراوانی با هدف ترویج نوآوری، پژوهش، ارتقا آموزش عالی و امور زیربنایی انجام داده است. با وجود افزایش بودجه‌های علمی - آموزشی تغییر کیفی در روند نوسازی علمی روسیه و جریان یکپارچه‌سازی نظام آموزشی داخلی آن با سازوکارها و همکاری‌های علمی دنیا با سرعت کمی به پیش می‌رود.

نتیجه‌گیری

قدرت نرم در سیاست خارجی همواره دارای نشانه‌های اقناعی بوده است. در این زمینه باید بر تولید دائمی قدرت هنجاری، تاسیسی و نهادی تاکید کرد. در این مقاله توضیح داده شد که بارزترین مشخصه قدرت نرم روسیه برخلاف غرب - و مشخصاً امریکا - جنبه تدافعی آن است. حال آن که قدرت نرم در سیاست خارجی امریکا ماهیت مداخله‌گرانه داشته است. مهم‌ترین مثال برای این مطلب، کیفیت چینش نهادها و کنشگران دخیل در حوزه قدرت نرم است. در جنبه‌های فرهنگی، اقدام‌های روسیه صرفاً برای ترویج فرهنگ روسی به کار رفته است که نشان‌دهنده ماهیت درون‌گرای آن بوده است؛ یعنی تکیه مجریان بر جامعه روس‌زبان و گسترش زبان روسی و یا حفظ آن بوده است. در سوی دیگر نهادهای غربی فعال در حوزه‌های پیرامونی روسیه عملکرد فعال‌تر در مقایسه با قدرت سنتی این

مناطق یعنی کرملین دارند. این فعالیت در مناطقی همچون آسیای مرکزی محسوس است. طرح ایده‌های همچون جهان روسی صرفاً اقناع درونی خواهد داشت تا به کارگیری بیرونی. با این همه نمی‌توان جذابیت‌های بازارهای کار روسیه را برای جوانان حوزه‌های پیرامونی نادیده گرفت. ضرورت حضور در این بازارها، فراگیری زبان روسی و اصول زندگی روسی است.

در حال حاضر مهم‌ترین تهدید قدرت نرم روسیه حضور نهادهای غربی پرجاذبه و منتقد به نظام‌های سیاسی حاکم است که در تهییج جریان‌ها و افکار عمومی برخلاف راهبردهای روسیه عمل می‌کنند. وجود این نهادهای رقیب باعث شده تا همان‌طور که نای اشاره می‌کند روسیه در وقایعی همچون جنگ گرجستان چاره‌ای جز استفاده از قدرت سخت نداشت. این اقدام در تضاد با تاکیدات سیاست خارجی آن کشور بر قدرت نرم قرار داشت. نای فقدان یک راهبرد جامع برای سازماندهی اهداف مشخص در سیاست خارجی را از مهم‌ترین کاستی‌های قدرت نرم روسیه برمی‌شمارد.

جوزف نای یکی دیگر از نقص‌های قدرت نرم روسیه را دولتی‌بودن آن می‌داند، اما معتقد است این موضوع در آمریکا پیوند گسترده‌ای با جامعه مدنی دارد. به نظر نای روسیه به اشتباه تصور می‌کند که دولت ابزار اصلی قدرت نرم است. در جهان امروز، اطلاعات کمیاب نیست، بلکه این توجه است که کمیاب بوده و به اعتبار بستگی دارد. تبلیغات دولتی معمولاً فاقد اعتبار است. حتی بهترین تبلیغات هم، تبلیغات محسوب نمی‌شود. چنانچه بخواهیم با نای هم نظر شویم که چین موفق شد، پس از المپیک ۲۰۰۸ پکن، بخش عمده اهداف خود را در پرتو رویکرد نرم کسب کند، این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌توان همین نتیجه را در مورد روسیه به کار برد؟ با استفاده از ابزارهایی همچون ورزش برای نشان دادن تصویری مثبت از کشور به دنیا، روسیه برگزاری المپیاد دانشجویان جهان در تابستان ۲۰۱۳ در کازان روسیه، بازی‌های زمستانی ۲۰۱۴ سوچی و جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۸ را در دستور کار خود قرار داد. در بازی‌های زمستانی المپیک سوچی در زمستان ۲۰۱۴، روسیه با صرف هزینه‌ای بیش از ۵۰ میلیارد دلار و کسب عنوان قهرمانی در بازی‌ها سعی کرد تا چهره جدیدی از خود در عرصه جهانی نشان دهد. برگزاری این المپیک با تحولات سیاسی در اوکراین مقارن بود. پس از جابه‌جایی قدرت در اوکراین، کرملین حضور خود در شبه جزیره کریمه و در حمایت از ساکنان روس تبار آن را بخشی از نتیجه راهبرد خود در حوزه قدرت نرم در نظر می‌گیرد. البته بایستی اشاره کرد، استفاده گسترده از ابزارهای سخت قدرت در

این حمایت، موجب شد تا این نتیجه حاصل شود که تحولات سیاسی سال ۲۰۱۴ اوکراین بخش عمده سیاست‌های روسیه در حوزه قدرت نرم را به چالش کشیده و برخی محدودیت‌ها را پیش روی آن قرار دهد.

منابع و مأخذ

- بیلینگتون، جیمز (۱۳۸۵)، روسیه در جستجوی هویت خویش، ترجمه مهدی سنایی، تهران، ایراس.
- مرادی، منوچهر و بوالوردی، مجید (۱۳۸۷)، قومیت و اقوام در فدراسیون روسیه، تهران، وزارت امور خارجه.
- Blank, Stephan J. (2012), "Perspectives on Russian Foreign Policy", Strategic Studies Institute Monograph, Available at: <http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil>, Accessed on: 2013/09/10.
- Bogomolov, Alexander & Lytvynenko, Oleksandr (2012), "A Ghost in The Mirror: Russian Soft Power in Ukraine", Available at: <http://www.chathamhouse.org/>, Accessed on: 2013/07/07.
- The Ministry of the Foreign Policy of the Russian Federation (2013), "Concept of The Foreign Policy of The Russian Federation", Moscow, Available at: <http://www.mid.ru/>, Accessed on: 2013/12/13.
- Ćwiek-Karpowicz, Jarosław (2012), "Russia's Gas Sector: In Need of Liberalization in The Context of The Shale Gas Revolution and Energy Relations with The European Union", *Journal of East-West Business*, Vol. 18, № 1.
- Dolinsky, A. (2012), "What Is Public Diplomacy and Why Russia Needs It?" *Russian International Affairs Council*, Moscow, Available at: <http://russiancouncil.ru/>, Accessed on: 2013/10/10.
- Friedman, George (2014), "Perspectives on The Ukrainian Protests", *Stratford Global Intelligence*, Available at: <http://www.stratfor.com/>, Accessed on: 2014/01/24.
- Grigas, Agnia (2012), "Legacies, Coercion and Soft Power: Russian Influence in The Baltic States", *Chatham house*, Available at: <http://www.chathamhouse.org/>, Accessed on: 2013/07/23.
- Kortunov, Sergei (2005), "Invigorating Russia's Foreign Policy", *Russia in Global Affairs*, Available at: <http://eng.globalaffairs.ru/>, Accessed 2013/08/27.
- Kosachev, K. (2012), "The Specifics of Russian Soft Power", *Russia in Global Affairs*, Available at: <http://eng.globalaffairs.ru/>, Accessed on: 2013/09/05.
- Kudors, Andis (2010), "Russian World- Russia Soft Power Approach to Compatriots Policy", in *Russia Analytical Digest* 81/10, Riga, Latvia. Available at: <http://www.academia.edu/>, Accessed on: 2013/07/27.

- Nye, Joseph S. (2004), *Soft Power: The Means to Success in World Politics, Public Affairs*, First Edition, New York.
- Nye, Joseph S. (2011), *The Future of Power*, Public Affairs, New York.
- Popescu, Nicu & Wilson, Andrew (2009), *The Limits of Enlargement-Lite: European and Russian Power in The Troubled Neighborhood*, European Council on Foreign Relations, ECFR Policy Report, London.
- Portnikov, Vitaliy (2010), "The Ambitions of a Would be Orthodox Pope", (Radio Free Europe/Radio Liberty Commentary) 28/07/2010, Available at: <http://www.rferl.org/>, Accessed on 2013/06/10.
- Shakirov, Oleg (2013), "Russian Soft Power under Construction", *International Relations*, Available at: <http://www.e-ir.info/>, Accessed on: 2013/10/11.
- Tsygankov, Andrei P. (2006), "If Not by Tanks, Then by Banks? The Role of Soft Power in Putin's Foreign Policy", *Europe-Asia Studies*, Vol. 58, No. 7.
- Transparency International (2010), "Corruption Perceptions Index 2010", Available at: <http://www.transparency.org/>, Accessed on: 2013/11/15.
- Yakovenko, Alexander (2012), "Digital Media Diplomacy Works for Russia's Ambassadors", *Russia Beyond the Headlines*, Available at: <http://www.telegraph.co.uk/>, Accessed on: 2014/03/15.
- Белорусские Новости (2011), "Россия Обещает Беларуси Дешевый Газ в Обмен на «Белтрансгаз»", Доступна на: <http://www.premier.gov.ru/>, Дата Обращения: 2013/11/12.
- Коммерсантъ(2012), "Владимир Путин Нашел, Что Предложить "Креативному Классу" в интернете", Доступна на: <http://www.kommersant.ru/>, Дата Обращения: 2013/06/06.
- Ларюэль, Марлен(2006), "«Русская Диаспора» и «Российские Соотечественники»", Доступна на: <http://www.polit.ru/>, Дата Обращения: 2013/08/08.
- Паршин, Павел(2013), "Проблематика «Мягкой Силы во Внешней Политике России»", Институт Международных Исследований МГИМО (У) МИД России, Москва, Доступна на: <http://www.mgimo.ru/>, Дата Обращения: 2013/09/23.
- Путин, Владимир (2012), "Строительство Справедливости. Социальная Политика для России", Комсомольская, *Правда*, Доступна на: <http://www.kp.ru/>, Дата Обращения: 2013/11/15.

- РИЯ Новости (2012), “Почти 250 Тысяч Иностранных Студентов Обучаются в Вузах России”, Доступна на: <http://gia.ru/> , Дата Обращения: 2014/01/28.
- Российская Газета(2004), “Демократия По Всем Азимутам”, Доступна на: <http://www.rg.ru/>, Дата Обращения:2013/06/15.
- Президент России(2012), “Стенографический Отчёт, ОЗаседании Государственного Совета”, Доступна на: <http://kremlin.ru/>, Дата Обращения: 2013/06/29.
- Сурков, Владислав. Ю.(2006), *Суверенитет - Это Политический Синоним Конкурентоспособности*, Из-во Ленанд, Москва.
- Торкунов, А.В.(2013), “Образование Как Инструмент «Мягкой Силы» Во Внешней Политике России”, Московский Государственный Институт Международных Отношений, Доступна на: <http://ehd.mgimo.ru/>, Дата Обращения: 2013/10/17.
- Щедровицкий, Петр(2000), “Русский Мир и Транснациональное Русское”, Доступна на: <http://old.russ.ru/>, Дата Обращения 2013/03/09.
- Шестаков, Евгений (2008), “Накануне Всемирной Конференции Соотечественников Глава Мида Сергей Лавров Дал Эксклюзивное Интервью РГ”, Доступна на: <http://www.rg.ru/> , Дата Обращения: 2013/09/28.